رهيافت جواب صحيح اين سوال نيازمند توجه به امورزير است:

1) ادله ناظر به نجاست سگ

فى الجمله در نجاست سگ از نظر فقه اماميه جاى هيچ شك و ترديدى نيست و هيچ يك از فقهاى اماميه با آن مخالفتى نكرده و در اثبات نجاست آن عموما به دودسته دليل متوسل شده اند.

دليل اول: اجماع

همه فقها اعم از متقدمين و متاخرين از فقهاء شيعه قائل به حكم نجاست سگ هستند اين حكم به گونه اى مشهور و اتفاقى است كه بعضى از فقها از آن به عنوان ضرورى فقه (كتاب الطهاره (للأراكى)، ج 1، ص: 491) ياد كرده اند. كمتر حكم فقهى با چنين استحكام و اتفاقى همراه است.

شيخ صدوق در المقنع، شيخ مفيد در المقنعه، سيد مرتضى در الانتصار و الناصريات و الرسائل، سلار در المراسم العلويه، شيخ طوسى در القتصاد و الخلاف و الرسائل العشر و النهايه و مصباح المتهجد، قاضى ابن البراج در المهذب، ابن حمزه طوسى در الوسيله، ابن زهره در غنيه النزوع، ابن إدريس در السرائر، محقق حلى در الرسائل التسع و المختصر النافع و المعتبرو شرائع الإسلام، يحيى بن سعيد حلى در الجامع للشرايع و نزهه الناظر فى الجمع بين الأشباه والنظائر، فاضل آبى در كشف الرموز از جمله متقدمين علما هستند كه در كتب مذكور به نجاست سگ تصريح نموده و قول آنان در تحقق اجماع موثر است علاوه بر آنكه بعضى از ايشان صراحتا به اجماعى بودن اين حكم اشاره كرده اند.

دليل دوم: روايات

روايات فراوان بلكه در حد تواتر (مدارك العروه (للإشتهاردى)، ج 2، ص: 500) در مورد نجاست سگ در كتب معتبر روايى شيعه وجود دارد كه با بيانهاى مختلف كه بعضى به دلالت صريح مطابقى و بعضى به دلالت التزامى و تضمنى بيانگر نجاست سگ است. با مراجعه به يكى از اين كتاب روايى (ين روايات عموما در كتب روايى شيعه وجود دارد لكن نقل آن از وسائل الشيعه به دليل اعتبار سندى و دقت بالايى است كه جناب شيخ حر عاملى در اين منبع روايى مبذول داشته است عنوان مى گردد.) بعضى عبارتها را در اين رابطه نقل مى كنيم.

«الكلب رجس نجس‏سگ موجودى نجس است (وسائل الشيعه، ج 1، ص: 227 روايت 574 و همان ج 3، ص: 413 روايت 4020 وهمان ج 3، ص: 415 روايت 4026)

«انّ الله تعالى لم يخلق خلقاً أنجس من الكلب (وسائل الشيعه، ج 1، ص: 220 روايت 560 و همان ج 1، ص: 228 روايت 578) خداوند هيج مخلوقى را نجس تر از سگ نيافريد»

«لا والله انّه نجس لا والله انّه نجس (وسائل الشيعه، ج 1، ص: 227 روايت 576 و همان ج 3، ص: 416 روايت 4031) به خدا قسم سگ نجس است به خدا قسم سگ نجس است»

«إن أصاب ثوبك من الكلب رطوبه فاغسله اگر رطوبتى از سگ به لباست برخورد كرد آن را بشوى» (وسائل الشيعه، ج 1، ص: 225 روايت 571 و همان ج 3، ص: 415 روايت 4025 و همان ج 3، ص: 441 روايت 4108)

«يَغْسِلُ الْمَكَانَ الَّذِى أَصَابَهالكلب‏] مكانى از بدن را كه با سگ تماس پيدا نموده است تطهير كنيد» (ائل الشيعه، ج 1، ص: 276 روايت 722)

«وَ لَا تَشْرَبْ مِنْ سُؤْرِ الْكَلْب از دمخورده سگ چيزى ننوش» (وسائل الشيعه ج 1 158 9 باب عدم نجاسه الكر من الماء الراكد بملاقاه النجاسه بدون التغيير..... ص: 158)

«سَأَلْتُهُ عَنِ الْكَلْبِ‏يَشْرَبُ مِنَ الْإِنَاءِ قَالَ اغْسِلِ الْإِنَاء از امام صادق در مورد ظرفى كه سگ از آن آب خورده است پرسيدم ايشان فرمودند بايد آن را تطهير كنى» (وسائل الشيعه ج 1 275 11 باب أن لمس الكلب و الكافر لا ينقض الوضوء..... ص: 274)

از نبى مكرم اسلام (ص) به طورمكرر و در روايات متعدد نقل شده است كه: جبرييل به ايشان فرموده است كه من در خانه اى كه در آن سگ وجود داشته باشد وارد نمى شوم (الكافى ج 3 393 باب الصلاه فى الكعبه و فوقها و فى البيع و الكنائس و المواضع التى تكره الصلاه فيها..... ص: 387 و

الكافى ج 3 393 باب الصلاه فى الكعبه و فوقها و فى البيع و الكنائس و المواضع التى تكره الصلاه فيها..... ص: 388)

يا در روايت ديگرى كه به طرق مختلف نقل شده است پيامبر مكرم اسلام در مورد خريدو فروش سگ عنوان مى فرمايد كه پولى كه از طريق خريد وفروش سگ بدست مى آيد حلال نيست مگر در مورد سگ شكارى (بحار الأنوار ج 100 52 باب 4 جوامع المكاسب المحرمه و المحلله..... ص: 42)

و روايات متعدد ديگر (وسايل الشيعهو 4113 و 4177 و)

2 فلسفه نجاست سگ

پيش ازبيان فلسفه وحكمت نجا ست سگ و خوك، به شناخت مفهوم «نجس» مى‏پردازيم: در اصطلاح فقهى، نجس به آن چيزى مى‏گويند كه يا از لحاظ ظاهرى و مادّى آنچنان پليد، زيان بار و خطرساز است و يا از لحاظ باطنى و روحى داراى شقاوت، پليدى و خباثت مى‏باشد و يا اين كه در بردارنده‏ى هر دو بُعد ياد شده است. به حدّى كه حتى وجود يكى از ابعاد ياد شده، در لزوم اجتناب و پرهيز داشتن از آن‏ها كافى است. سگ و خوك نيز هم از لحاظ ظاهرى و هم از لحاظ باطنى و روحى، خطرساز و ضررآفرين‏اند و اجتناب از آن‏ها ضرورى است و دربردارنده‏ى نوعى پليدى و در نتيجه «نجاست» اند. وجودِ «تريشينوزيس»، براى بيمارى‏هاى انگلى، كرم‏ها و داشتن بستر مناسب براى انتقال ميكروب‏ها در بدن سگ و خوك به انسان همگى موجب اتّخاذ تدابير بهداشتى و محدوديّت‏هاى سنگين در مورد اين جانداران شده. البتّه شايد ادّعا شود كه اگر محيطى فراهم آيد كه ما يقين كنيم ديگر اين ميكروب در وجود چند مورد محدود از سگ و خوك‏ها وجود نداشته يا به حدّاقل برسند، آيا باز هم حكم به نجاست آن‏ها ادامه خواهد داشت؟ در پاسخ گفته مى‏شود:

1 اين ادّعا شامل آن دسته از ميكروب‏هايى مى‏شود كه شناخته شده‏اند و نمى‏توان ادعا نمود كه گندزدايى كامل در مورد تمام ميكروب‏ها صورت گرفته. به عبارتى: شما حتى اگر بتوانيد واكسنى تهيه كنيد كه بشر و زندگى طبيعى او را در برابر تمام سگ و خوك‏ها سالم و بهداشتى نگهدارد، اين واكسن فقط در مقابل ميكروب‏هاى موجود و شناخته شده كارساز است و شامل ميكروب‏هاى ناشناخته و بلكه به وجود نيامده نخواهد بود.

2 روش پذيرفته شده در قانون‏گذارى‏هاى عقلاء جهان آن است كه در قوانين، همواره حالات و موقعيّت‏هاى اكثريّتى مدّ نظر بوده و چنانچه فرد يا افرادى به عللى جزء استثناءها باشند، باز خدشه‏اى در عموميّت قانون ايجاد نمى‏شود و آن موارد نيز بايد تابع قانون باشند. روى اين جهات، حفظ مصالح عمومى ايجاب مى‏كند كه همه‏ى افراد و موضوعات، مشمول يك قانون باشند و وحدت رويه‏ى قانونى حفظ شود.

3 سلامتى فرد و اجتماع آن چنان اهميت دارد كه حتى وجود احتمال ضرر و لزوم دفع آن نيز قابل توجه است. يعنى با در نظر گرفتن تمام تلاش‏ها باز هم احتمال مى‏رود كه شايد بستر براى ايجاد ضرر فراهم باشد، پس اجتناب ضرورى است.

4 ضررها فقط محدود به بهداشت ظاهرى نبوده و توجه به آسيب‏هاى روحى و معنوى نيز ضرورى است. و اين جنبه نيز در حكم به حرمت و نجاست مهم است. از اين رو، خوك از يك سو به علت تغذيه نامناسب و حتى استفاده از فضولات و از سوى ديگر به علت بى‏مبالاتى در رعايت جفت‏گيرى به عنوان حيوان «بى‏غيرت» مشهور است و تغذيه از گوشت آن و هم‏زيستى براى پرورش آن، چه بسا موجب انتقال اين روحيات در آدمى شود. درباره سگ نيز اگر چه وفادارى آن در دفاع و شكار مورد توجه است و سگ را ارزشمند مى‏كند، اما هم‏زيستى با سگ و ورود آن به محيط داخلى خانه آسيب‏هاى گوناگون بهداشتى و روانى را در پى دارد. لذا در روايات هم‏زيستى با سگ بسيار نكوهش شده است و حضور آن مانع نزول فرشتگان دانسته شده است.

با صرف نظر از جهات بهداشت جسم توجه به دو نكته ذيل از جهت بهداشت روانى متعاقب اين حكم سودمند است:

1 اكنون كه سگ و خوك به عنوان دو حيوان نجس العين توسط احكام شريعت معرفى شده اند باز هم مى بينيم كه بسيارى از افراد با سگ و خوك انس فراوان دارند آنقدر كه گاه رفتار و بازى با سگ براى آنان شيرين تر از هم نشينى با اعضاى خانواده شان مى باشد. اكنون فرض مى كنيم كه اين حكم اسلامى نبود، آن وقت پيامد آن اين بود كه بسيارى از انسانها حتى اهل ايمان سگى در خانه داشته باشند و فرزندان آنها با آنان انس بگيرند و با خود آنان با آن سر گرم شوند، با كمى دقت مى يابيم براى كارى كه هيچ ارزش معنوى و حتى مادى ندارد تا چه اندازه وقت و هزينه هاى فراوان صرف مى شد و انسانها را غافل از كارهاى مفيد خويش مى ساخت و در مقابل آن خوى حيوانى آنان به دليل انس با حيوانى چون سگ رشد مى كرد و از انسانيت دور مى گشتند. بنابراين با دقت در هدف خلقت كه‏ «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»(1) (ما جن و انس را خلق نكرديم مگر براى اينكه عبادت كنند) مى يابيم كه حكم به نجات و دورى از اين حيوانات بسيار بجا و دقيق است.

2 فلسفه جعل برخى از احكام، پرهيز از موضوع آن و فاصله گرفتن از آن به عنوان يك خطر جدى است، مثلا گاهى بيان مى كنند به سيم لخت دست نزنيد تا دچار برق گرفتگى نشويد، و معمول خطرات اين گونه است همان طورى كه در مورد نوع گناهان اين است كه فلان كار را انجام ندهيد اما در كنار ترانس هاى قوى يا دكل هاى فشار قوى برق نه تنها نبايد با آنها تماس حاصل كرد بلكه نبايد به آنها نزديك شد و گرنه در فاصله كم، تأثير زيان بار خواهد داشت «سگ بازى» و نيز استفاده از «گوشت خوك» با توجه به تأثير روانى آنها بسيار مضر است كه خيلى ها به آن مبتلا هستند خصوصا با توجه به اقليت هاى دينى كه مثلا استفاده از گوشت خوك را جايز دانسته يا سگ بازى در عرف فرهنگى بيگانگان امرى پسنديده بود. كما اينكه از جمله تفريحات درباريان و اشراف همين امر بود و حتما توجه داريد كه خوك مظهر شهوت و بى غيرتى است و بر اساس علوم پزشكى و روان پزشكى ثابت شده است كه صفات گوشت حيوانات به خورنده آنها سرايت مى كند. از اين رو حكم شرعى مبنى بر نجاست اين دو حيوان، مقدمه اى براى فاصله گرفتن از اين حيوانات و استفاده هايى است كه بيگانگان اقليت ها و يا افراد لاابالى و بى اعتنايى به مسايل شرعى مى نمايند. ناگفته نماند معمولا هر حيوانى يك يا چند خصلت خوب دارند بايد از آنها در همان جهت بهره برد. سگ به عنوان يك حيوان باوفا، در برخى كارها از جمله در محافظت از گله هاى گوسفند و يا شكار برخى حيوانات مورد استفاده است و نهى در اين مورد نيست بلكه «كلب معلم» يعنى سگى كه براى شكار تعليم داده شده، احكام خاصى دارد كه مى تواند بيشتر اين حيوان را در خدمت انسان قرار دهد.

ولى اين مسأله باعث نمى شود كه زندگى و رابطه انسان را به سگ بازى يا آميختگى و انس با سگ كنيم به ويژه با در نظر گرفتن آثار زيان بار روحى و جسمى زيانبارى كه در اين حد از ارتباط وجود دارد.

3 احكام تكليفى مرتبط باسگ

البته سگ نيز به عنوان يكى از مخلوقات الهى در جهت انتفاع انسان خلق شده و خداوند متعال نحوه و كيفيت اين انتفاع را براى انسانها بيان نموده تا ضمن استفاده از منافع آن از ضررها و مفاسد معنوى و مادى كه به مقتضاى خلقت در سگ وجود دارد مصون باشند.

با وجود نجاست سگ، اصل اولى در مورد انواع انتفاعات از اين حيوان بنا به مقتضاى اصاله الصحه و اصل حليت [[1، جواز است لكن بايد اين نكته را مد نظر داشت كه انتفاع بايد عقلايى باشد نه توهمى.

1) نگهبانى وشكار: استفاده از سگ در امر نگهبانى منزل، دام، باغ، شكار و سگهايى كه داراى منفعت عقلايى بوده و اصطلاحا سگ قابل تعليم (در امور عقلايى) حلال بوده و خريد و فروش آن نيز حلال است [2

[2) جرم يابى و نجات: با پيشرفت علم و شناخت ويژگى هاى منحصر به فرد اين حيوان از نظر بويايى، استفاده از آن در مواردى مثل استفاده پليس در جهت كشف مواد مخدر يا مواد منفجره و يا تعقيب مجرمين و همچنين استفاده از آن در حوادث غير مترقبه و امثال آن بنابر قاعده فقهى اصاله الصحه و اصاله الحليه جايز و حلال است.

3) امور طبى و پزشكى: استفاده از اجزاء سگ مانند خون يا جوارح داخلى و ظاهرى آن در جهت درمان پزشكى و يا پيوند به انسان جايز مى باشد و در صورت پيوند اين اجزا عضوى از بدن انسان محسوب مى گردد و ديگر نجس نيست. [\*

[3 نكته: چنين سگهايى (سگ نكهبان، شكار، سگ پليس و..) به لحاظ انتفاعى كه دارند مال محسوب شده، قابل خريد و فروش و رهن و اجاره و... هستند، صدمه به آنان ضمان آور و مستوجب پرداخت خسارت است و حتى نفقه آن مانند تامين خوراك و درمان آن بر مالك واجب است. [4

[4) خوردن: استفاده از سگ براى خوردن حرام مسلم است و اين مطلب از طريق روايات و قاعده متفق عليه فقهى قابل اثبات است ضمن آنكه انسان به مقتضاى طبيعت انسانى از خوردن گوشت سگ تنفر دارد. [[5

قاعده فقهى عنوان مى دارد «كل نجس حرام هرچيز نجسى خوردن آن حرام است»

روايات متعدد هم بر حرمت گوشت دلالت مى كند كه در يك نمونه ازآن، امام عليه السلام سه مرتبه با تاكيد، حرمت استفاده از گوشت سگ را يادآور مى شوند [5

[6) استفاده در لباس و..: استفاده از پوست و موى آن در لباس جايز نيست و موجب بطلان نماز مى گردد.

پوست سگ از نظر فقها اماميه نجس بوده و با دباغى هم پاك نمى شود لذا استفاده از آن در لباس و پوشاك ممنوع است و نماز با آن هم باطل مى باشد ولى اگر منفعت عقلايى براى آن وجود داشته باشد مانند پيوند و امثال آن استفاده از آن اشكالى ندارد و به لحاظ آنكه جزيى از بدن انسان مى گردد پاك محسوب مى شود.

6) تماس ونگهدارى: تماس و نگهدارى هرگونه سگ در خانه كراهت شديد داردلكن در مورد سگ نگهبان و شكار درصورتى كه در مكان جداگانه اى در منزل نگهدارى گردد مكروه نيست [7

[7) حكم خريد و فروش و نگهدارى سگ به عنوان زينت:

استفاده از سگ به عنوان زينت كه متاسفانه در بعضى جوامع غربى ناشى از خلا عاطفى، روانى و اجتماعى است منفعت توهمى بوده و عقلايى نيست لذا استفاده از سگ بدين منظور مورد نهى شديد روايات قرار گرفته و كراهت دارد. ضمن آنكه خريد و فروش سگ غير از مواردى كه در بالا گفته شد جايز نبوده و پول حاصل از آن حرام است. [8

[8) كشتن و صدمه زدن به سگ:

صدمه وكشتن سگ در صورتى كه هار بوده و يا بنا به تعبير روايات گاز گيرنده [[9 و موذى باشد جايز است لكن سگهايى كه داراى منفعت عقلايى هستند نه تنها كشتن آنها حرام بلكه مستوجب ضمان و پرداخت خسارت به مالك است (روايات متعددى در اين مورد در بابى تحت عنوان باب ديه سگها آورده شده است). [9

[10) رسيدگى و احسان به سگ:

دادن غذا و آب به همه حيوانات و از جمله انواع سگ مستحب و صدقه محسوب مى گردد.

از آن گذشته «هر جاندارى كه در اختيار كسى قرار بگيرد، بايستى وسايل زندگى آن جاندار را تأمين نمايد. كلمه جاندار شامل همه انواع حيوانات است، مگر حيواناتى كه آزار و ضررى به انسان وارد كنند، مانند عقرب و افعى و مار كه بالذّات موذى مى‏باشند و مانند سگ هار و ديگر حيوانات بيمار كه بيمارى آنها علاج ناپذير و موجب ضرر مى‏باشد.

بنا بر اين، احكام حقوقى مقرّر شامل هر حيوانى مى‏باشد، خواه گوشتش خوردنى باشد، يا نه، بلكه خواه به نحوى از انحاء قابل بهره بردارى باشد يا نه» [

[11 نكته جالبى كه از اين قسمت نتيجه مى شود آن است كه اگر مقدارى آب براى رفع تشنگى يكى از دوحيوان (سگ و گوسفند) وجود داشته باشد كه هردو در آستانه مرگ هستند آب را بايد به سگ داد وگوسفند را ذبح كرد بدان جهت كه پايان دادن به حيات گوسفند با ذبح شرعى، امرى است قانونى ولى مردن سگ از تشنگى خلاف قانون است، لذا آب به سگ داده مى‏شود تا بدون علت هلاك نشود. اين موضوع را شهيد دوم در مسالك آورده است. [

[12 پى نوشت

[[1. قاعده فقهى «كل شى هو لك حلال الا تعلم انه حرام»

[[2. نجاه العباد (للإمام الخمينى)، ص:

223 [[3. توضيح المسائل (المحشى للإمام الخمينى)، ج 2، ص: 900: پيوند زدن عضوى از اعضاى بدن حيوان نجس العين مانند سگ به بدن مسلمان اشكالى ندارد، و احكام بدن مسلمان بر آن جارى مى‏گردد و به دليل آنكه جزئى از بدن شخص زنده به شمار مى‏رود و زندگى در آن جريان يافته است، پاك است و نماز خواندن با آن جايز است.

[[4. مراجعه كنيد به: بخش حقوق حيوانات رسائل فقهى (علامه جعفرى)، ص: 111 به بعد

[[5. لكن متاسفانه فرهنگ مبتذل غربى در اين زمينه هم ساكت نبوده و با نامگذارى بعضى محصولات غذايى مانند سوسيس هات داگ و امثال آن اقدام به هنجار شكنى و تبليغ مسموم مى نمايد.

[[6. تهذيب الأحكام ج 9 39 1 باب الصيد و الذكاه..... ص: 2 روايت 164 عَنْهُ عَنْ عِدَّهٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِى نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِى سَهْلٍ الْقُرَشِىِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ لَحْمِ الْكَلْبِ فَقَالَ هُوَ مَسْخٌ قُلْتُ هُوَ حَرَامٌ قَالَ هُوَ نَجَسٌ أُعِيدُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّ ذَلِكَ هُوَ يَقُولُ هُوَ نَجَس

[[7. وسائل الشيعه ج 11 530 43 باب كراهه اتخاذ كلب فى الدار إلا أن يكون كلب صيد أو ماشيه أو يضطر إليه أو يغلق دونه الباب..... ص:

530 [[8. «ثَمَنُ الْكَلْبِ سُحْتٌ وَ السُّحْتُ فِى النَّار، بهاى سگ حرام و حرام در آتش است» الكافى ج 5 120 باب كسب المغنيه و شرائها..... ص:

119 [[9. كلب عقور

[[10. مراجعه كنيد به: وسائل الشيعه، ج 29، ص:. 226 بَابُ 19 مَا لَهُ دِيَهٌ مِنَ الْكِلَابِ وَ قَدْرِ الدِّيَه

[[11 رسائل فقهى (علامه جعفرى)، ص:

116 [[12. به نقل از رسائل فقهى (علامه جعفرى)، ص:. 119

(1) (سوره ذاريات آيه 51)